

ارائه الگوی تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار از دیدگاه صاحبان صنایع شهر یزد بر اساس نظریه داده بنیاد

■ محسن شاکری*

■ کاظم برزگر بفرونی**

■ محمدعلی جمشیدی***

چکیده:

مقاله حاضر در پی ارائه الگویی برای تبیین تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار از دیدگاه صاحبان صنایع شهر یزد است. به لحاظ کفایت نداشتن مدل‌های ارائه شده در ادبیات موجود برای تبیین تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار و برای به دست آوردن داده‌هایی متناسب با زمینه مورد مطالعه، از روش کیفی نظریه داده بنیاد استفاده شد. داده‌های مطالعه از مصاحبه با ۱۴ نفر از صاحبان صنایع و مدیران سازمان فنی و حرفه‌ای شهر یزد گردآوری شد. با طبقه‌بندی مفاهیم، مقوله‌های فرعی و محوری و یافتن مقوله محوری با استفاده از روش کدگذاری باز، محوری و انتخابی، مقوله‌های شکل دهنده الگوی تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار و روابط بین آن‌ها در قالب مدل پارادایمی ظهور یافت که شامل موجبات علی (هفت مقوله)، مقوله محوری (هم راستایی آموزش‌ها)، راهبردها (هشت مقوله)، شرایط محیطی (شش مقوله)، ویژگی‌های زمینه‌ای (چهار مقوله) و پیامدها (سه مقوله) می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت با استفاده از راهبردهای نیازسنجی، مشارکت ذینفعان، آموزش مربیان، همکاری‌های داخلی و خارجی، آینده‌پژوهی شغلی، آمایش سرزمینی و برنامه‌ریزی، آشنایی کارآموزان با بازار کار، و مشاوره و هدایت شغلی، می‌توان تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار را محقق کرد.

کلید واژه‌ها:

آموزش فنی و حرفه‌ای، نیازهای بازار کار، نظریه داده بنیاد

□ تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۹/۲۲

□ تاریخ شروع بررسی: ۹۷/۱۱/۸

□ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۹/۴

* استادیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه یزد (نویسنده مسئول) shakerimohsen@yazd.ac.ir
** دانشیار گروه روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه یزد k.barzegar@yazd.ac.ir
*** کارشناس ارشد بهسازی منابع انسانی مؤسسه آموزش عالی امام جواد (ع) یزد jamshidiali1384@yahoo.com

مقدمه

آماده‌سازی جوانان برای بازار کار یکی از مسئولیت‌های کلیدی نظام آموزشی کشورهاست (فورستر و بول^۱، ۲۰۱۸). بر همین مبنا، تربیت نیروی انسانی متخصص و کارآمد و استفاده بهینه از آن، در مرکز توجه برنامه‌ریزان قرار گرفته است (خواجه شاهکوهی، عباسی و خوش فر، ۱۳۹۱). پایین بودن سطح مهارت‌ها، طرفداران آموزش‌های حرفه‌ای و آموزش‌های کلاسیک را به نوعی به تقابل کشانده است. سرعت تغییرات فناوری و انتظار بازار کار از نیروی ماهر و به تبع آن تشدید ضرورت آموزش‌های حرفه‌ای در قالب آموزش‌های حین کار هم، به شدت این تقابل دامن زده است، به گونه‌ای که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه (به ویژه کشورهای آسیایی) انتخاب بین آموزش‌های عمومی و حرفه‌ای یک تصمیم دشوار قلمداد می‌شود (یونسکو، ۲۰۱۰، به نقل از سلیمی، ۱۳۹۳). آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان یک راه‌حل کارآمد برای کاهش بیکاری جوانان مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گرفته است (بلونیوا، بیلینا، و راسانوسکی^۲، ۲۰۱۵). آموزش، به ویژه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، وسیله‌ای در خدمت به نیازهای توسعه‌ای جامعه است (کاووسی، ۱۳۸۷). یکی از جنبه‌های مثبت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و دوره‌های کارآموزی، تحرک اجتماعی جوانان و کاهش بیکاری آنان است (اندرسون^۳، ۲۰۱۸). آموزه‌های فنی و حرفه‌ای، فعالیت‌هایی هستند که فرد را برای احراز شغل، پیشه و کسب و کار آماده می‌کنند یا کارایی و توانایی وی را در انجام آن‌ها افزایش می‌دهند (خالدی و رفعتی، ۱۳۹۱). آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ابزار مهمی برای بهبود پویایی، انطباق‌پذیری و بهره‌وری نیروی کار است. به همین دلیل، در افزایش توان رقابت بنگاه‌های اقتصادی، صنعتی و تولیدی نقش دارد و زمینه کاهش نبود توازن در بازار کار را فراهم می‌سازد (خواجه شاهکوهی و همکاران، ۱۳۹۱).

بیشتر کشورهای جهان برای تقویت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تلاش‌های گسترده‌ای را آغاز کرده‌اند (احمدی و آتشک، ۱۳۹۴). اصلاح نظام آموزش فنی و حرفه‌ای به عنوان ابزار مهمی برای تربیت و افزایش کارایی و بهره‌وری نیروهای انسانی به منظور زمینه‌سازی اصلاحات و توسعه اقتصادی، می‌تواند از اولویت‌های اصلی نظام آموزشی کشور باشد (خلاق، ۱۳۹۱). افزایش کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به بالا رفتن کارایی و کارآفرینی نیروی انسانی برای کمک به رشد اقتصادی و اشتغال در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم کمک می‌کند.

تحقق این هدف در مرحله اول مستلزم شناخت نیازهای در حال تغییر بازار کار (نیازسنجی) و کارایی و انعطاف‌پذیری نظام آموزشی است (جلیلیان، مهرعلیزاده و مرعشی، ۱۳۹۶). بر اساس توصیه یونسکو، همه کشورهای به یک خط مشی منسجم آموزشی نیاز دارند، به نحوی که در آن، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به عنوان بخشی اساسی از این سیستم یکپارچه دیده شده باشد. این در حالی است که از جمله مشکلات مطروحه در بخش آموزش فنی و حرفه‌ای، به ویژه در کشور ما، مشخص نبودن الگوی

توسعه کشور و در نتیجه نامشخص بودن جهت‌گیری مناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است (ربیعی و خادمی ورنامخواستی، ۱۳۹۲). در کشورهای موفق در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، مانند آلمان، ونزوئلا، چین، ایتالیا و هلند، به جای تأکید بر دانش حرفه‌ای، به مهارت‌های حرفه‌ای تأکید می‌شود. در برخی از این کشورها آموزش‌های فنی و حرفه‌ای می‌شود بر اساس نیاز جامعه ارائه می‌شود. لذا مطالعات نظرسنجی، ارزشیابی و تحقیقات در این زمینه مورد استفاده برنامه‌ریزان است. (سپه پناه، فرشادیان، ایمانی هرسینی و ظاهری، ۱۳۹۴).

به‌کارگیری یک رویکرد نظام‌مند در ایجاد رشته‌های آموزش فنی و حرفه‌ای جدید مبتنی بر فناوری‌های نو، این اطمینان را در پی دارد که رشته‌های آموزشی جدید و تمهیدات پشتیبانی مورد نیاز، به طور مستمر در چارچوبی مؤثر و کارآمد توسعه می‌یابند (احمدی و آتشک، ۱۳۹۱).

آموزش فنی و حرفه‌ای در نقطه اتصال با اقتصاد جامعه قرار دارد و به طور مستقیم در خدمت اقتصاد است. بنابراین، توجه به عرضه دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای بازار محور، از مهمترین چالش‌های پیش روی نظام‌های فنی و حرفه‌ای است. آموزش فنی و حرفه‌ای به دلیل ویژگی‌های منحصر به فرد خود و با توجه به هزینه‌بر بودن، باید بتواند خود را با نیاز بازار کار و تغییرات فناوری منطبق سازد (امیری، ۱۳۸۸). دویچر و وینتر^۱ (۲۰۱۸) در پژوهش خود دریافتند، در طول آموزش‌های حرفه‌ای، عملکرد کارآموزان در آزمون دانش و توانایی حرفه‌ای، به طور معناداری بهبود می‌یابد و این کمک می‌کند کارآموزان صلاحیت کار در یک حوزه مشخص را کسب کنند.

زیلیچ^۵ (۲۰۱۸) در پژوهش خود تأثیر اصلاحات آموزشی اجرا شده در سال‌های ۱۹۷۶-۱۹۷۵ و ۱۹۷۸-۱۹۷۷ در کرواسی را بر پیامدهای آموزشی و بازار کار بررسی کرده‌است. نتایج حاکی از آن است که اصلاحات بر انتظارات افراد از بازار کار تأثیر مثبتی نداشته است.

یافته‌های پژوهش بهروزی (۲۰۱۴) حاکی از آن است که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به دستیابی کارآموزان به شغل خوب و رضایتمندی آنان از کارشان منجر نمی‌شود. نتایج پژوهش جلیلیان و همکاران (۱۳۹۶) نشان داد، بین عملکرد موجود آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با وضعیت مطلوب (نیازها و محورهای آموزش شناسایی شده دارای اولویت) شهرستان خرمشهر، انطباق وجود ندارد.

سپه پناه و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که شاخص اشتغال در بخش صنعت، پس از گذراندن دوره‌های مهارتی و کسب شغل به ۲۷/۳۳ درصد رسیده است. همچنین، مشخص شد که ۶۸/۲۹ درصد از مشاغل کسب شده، پس از دوره، ارتباط کاملی با دوره مهارتی داشته است. سلیمی (۱۳۹۳) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای موفق شده‌اند نقش به نسبت موفقی در پرورش نیروی کار ماهر یا همان تولید سرمایه انسانی و تربیت نیروی انسانی خوداشتغال و کارآفرین داشته باشند و می‌توانند ابزار و راهکار اصلی تولید، توسعه و بهسازی سرمایه انسانی باشند. یافته‌های پژوهش ربیعی و

همکاران (۱۳۹۳) نشان می‌دهد، موانع سازمانی بیشترین مانع کارآفرینی و موانع فردی کمترین مانع در میان مهارت‌آموختگان دوره‌های فنی و حرفه‌ای هستند. نتایج پژوهش آیتی و فتیحی (۱۳۹۳) نشان داد، برنامه‌درسی (مهارت‌های عمومی) آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اکثر موارد کاملاً و تا حد زیادی با نیازهای بازار کار منطبق است و در مواردی هم انطباقی دیده نمی‌شود. خواجه شکوهی و همکاران (۱۳۹۱) به این نتیجه رسیدند که مهم‌ترین عوامل مؤثر بر اشتغال به کار آموزش‌دیدگان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای جوینده کار در استان گلستان، به ترتیب عبارت‌اند از: گویه‌های بی‌ارتباط دانش نظری ارائه شده در دوره آموزشی با نیاز بازار کار، نداشتن تجربه علمی کافی در طول دوران آموزشی و تناسب نداشتن رشته تحصیلی با رشته‌ای که در دوره آموزش فنی و حرفه‌ای گذرانده‌اند. نویدی و برزگر (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که درباره فلسفه، اهداف، سیاست‌های کلان، راهبردها و جایگاه قانونی دوره‌های کاردانی آموزش فنی و حرفه‌ای، ابهام‌ها و تعارض‌های متعدد وجود دارد. کمیت و کیفیت منابع انسانی، امکانات کالبدی و فضای آموزشی آموزش‌شکده‌ها رضایت بخش نیست. ویژگی‌های شناختی و عاطفی اغلب دانشجویان و فارغ‌التحصیلان با انتظارات رشته آن‌ها هماهنگ نیست.

بیکاری حدود ۲۸ درصدی افرادی که به امید اشتغال زودتر و بهتر به آموزش‌شکده‌ها روی آورده‌اند، از وجود مسئله جدی حکایت می‌کند. خالدی و رفعتی (۱۳۹۱) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که مقایسه اثربخشی آموزش‌های رسمی و غیررسمی گویای آن است که در حالت کلی، آموزش‌های غیررسمی، (مراکز فنی و حرفه‌ای) نسبت به آموزش‌های رسمی از نظر تأثیر و توانمندی شغلی و افزایش مهارت شاغلان مزیت دارند.

نتایج پژوهش امیری (۱۳۸۸) نشان داد دوره‌های آموزشی سازمان فنی و حرفه‌ای به طور کامل بر نیاز بازار کار نیست مهم‌ترین علل نبود انطباق بین دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار، به روز نبودن سرفصل‌های آموزشی، تجهیزات و مواد آموزشی و نبود ارتباط سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای با صنعت، در تدوین برنامه‌های آموزشی است. کاووسی (۱۳۸۷) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که ۱۷/۴ درصد از گروه نمونه فنی و حرفه‌ای و ۱۵ درصد از گروه نمونه کار و دانش، در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی اشتغال دارند و به طور کلی پسران بیشتر از دختران در مشاغل مرتبط با رشته تحصیلی اشتغال دارند. همچنین، نتایج نشان دادند که بخشی از مشکلات اشتغال فارغ‌التحصیلان فنی و حرفه‌ای به محدودیت‌های بازار کار و قسمتی هم به چگونگی برنامه‌های آموزشی مربوط می‌شود.

نتایج پژوهش قدیمی مقدم (۱۳۷۸) حاکی از آن است که میان آموزش فنی و حرفه‌ای و بازار کار استان رابطه چندانی سمنان وجود ندارد. نتایج پژوهش نفیسی (۱۳۷۸) حاکی از آن است که گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار متناسب نیست.

در تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازارکار عوامل زیادی نقش دارند. نیازسنجی، ارتباط با صنعت، کیفیت آموزش‌ها، تأمین و تخصیص منابع مالی، مدرسان و ویژگی‌های آن‌ها، برنامه‌های درسی، ساختار سازمانی، قوانین و مقررات از جمله عوامل شناسایی شده‌اند. این عوامل به لحاظ پژوهشی دارای اعتبار هستند، ولی چند نکته را باید مورد توجه قرار داد: اول اینکه هر تحقیق از روش‌شناسی‌های متفاوتی بهره‌گرفته‌است؛ دوم اینکه موقعیت‌ها و جوامع هدف این تحقیقات متفاوت بوده‌اند؛ نکته دیگر اینکه عوامل شناسایی شده بسیار پراکنده و به اقتضائات زمانی، مکانی و موقعیتی وابسته بوده‌اند. بنابراین می‌توان استدلال کرد که اعتبار این عوامل مستقل از زمینه نبوده‌است و این مبین وجود شکاف اصلی در ادبیات موجود است. این نکته، کاربردپذیری نتایج تحقیقات را در موقعیت‌های متفاوت از زمینه مورد بررسی دچار مشکل می‌سازد. لذا تحقیق حاضر با کاربرد روش شناسی مناسب (نظریه داده بنیاد) در پی پاسخ به این سؤال است که الگوی مناسب برای تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازارکار در جامعه ایران به طور عام و در شهر یزد به صورت خاص و متناسب با موقعیت و زمینه فرهنگی آن چیست؟

روش‌شناسی

به دلیل محدود بودن پژوهش‌ها و روش نبودن مفاهیم شکل گرفته برای تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازارکار و برای دستیابی به توصیف عمیق از تجربه‌ها، ادراکات و نگرش‌های صاحبان صنایع و مدیران فنی و حرفه‌ای شهر یزد و منظور تبیین ابعاد توسعه‌ای و شرایط حاکم و پیامدهای آن، از روش کیفی نظریه داده بنیاد استفاده شده است. روش تحقیق نظریه داده بنیاد شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که به وسیله آن، با استفاده از یک دسته داده، نظریه‌ای تکوین می‌یابد؛ به طوری که این نظریه در یک سطح وسیع، یک فرایند، یک عمل یا یک تعامل را تبیین می‌کند. این روش استقرایی و اکتشافی است و به پژوهشگران حوزه‌های گوناگون امکان می‌دهد به جای اتکا به نظریه‌های موجود، خود به تدوین نظریه‌ای از طریق تحلیل مقایسه‌ای مشاهدات، اقدام کنند و از آنجا که این نظریه از داده‌ها برخاسته است، با موقعیت مورد مطالعه متناسب است و تبیین بهتری از نظریه‌های موجود برای موقعیت نامعین فراهم می‌آورد (بازرگان، ۱۳۸۷).

از آنجا که تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازارکار یکی از موضوعات مهم و اثرگذار جامعه است، با مدیران صنایع و مدیران سازمان فنی و حرفه‌ای شهر یزد، با هدف کشف الگوی تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازارکار، مصاحبه‌هایی ترتیب داده شد. منظور از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در این پژوهش، آموزش‌هایی است که در مراکز سه‌گانه سازمان فنی و حرفه‌ای شهر یزد برای کارآموزان هنرستان‌های کار و دانش آموزش و پرورش و کارآموزان آزاد برگزار می‌شود. برای جلوگیری از سوگیری، ابزار نیمه‌ساختمندی با ۱۲ سؤال حول محور ابعاد، ویژگی‌ها و مؤلفه‌های تناسب

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار، عوامل مؤثر بر الگوی تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار و نیز راهبردهای متناسب کردن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار در قالب ویژگی‌ها و الزامات، افراد و گروه‌های درگیر، موانع و عوامل تسهیلگر تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار، تغییرات ایجاد شده و موارد مشابه مطرح شد که محتوا، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و محیطی و نیز پیامدهای تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار را استخراج می‌کند. مدت زمان انجام مصاحبه‌ها بین ۶۰ تا ۱۲۰ دقیقه و به صورت حضوری بود که موارد مطرح شده به شکل صوتی ضبط و بعد از آن پیاده‌سازی شد.

مشارکت‌کنندگان در تحقیق حاضر، ۱۴ نفر از صاحبان صنایع و مدیران سازمان فنی و حرفه‌ای شهر یزد بودند که بر مبنای منطق تکرار (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۶) و به منظور ساخت نظریه هدفمند انتخاب شدند و با عنوان نمونه‌گیری نظری (استراوس و کربین، ۱۳۹۵) از آن یاد می‌شود. مبنای انتخاب صاحبان صنایع و مدیران سازمان فنی و حرفه‌ای شهر یزد، ایجاد حداکثر گوناگونی در پاسخ به سؤالات، به منظور تکوین نظریه بود. در این راستا تلاش شد از صاحبان صنایع متفاوت استفاده شود و مصاحبه‌ها تا آن جا ادامه پیدا کرد که اشباع^۱ در اطلاعات گردآوری شده حاصل شود. در فرایند گردآوری اطلاعات، به تدریج مفاهیم و گزاره‌ها در این خصوص انباشته می‌شدند تا اینکه از مصاحبه دهم جمع‌بندی و بررسی گزاره‌ها، به مقوله اصلی «هم‌راستایی آموزش‌ها» رهنمون شد؛ بعد از آن نیز سعی شد سؤالات بعدی در حول و حوش آن تنظیم و ادامه یابند. در مصاحبه دوازدهم تا حدودی اشباع نظری داده‌ها محرز شده بود، ولی برای اطمینان از این موضوع و پرکردن حفره‌های مفهومی مدل، مصاحبه‌ها تا مصاحبه چهاردهم هم ادامه یافت. برای حصول اطمینان از روایی پژوهش، یعنی دقیق بودن یافته‌ها از منظر پژوهشگر، مشارکت‌کنندگان یا خوانندگان گزارش پژوهش (کرسول و میلر^۲، ۲۰۰۰)، از راهبردهای تطبیق توسط اعضا^۳، بررسی همکار^۴ و مشارکتی بودن و انعکاس‌پذیری پژوهشگر استفاده شد که در طول آن‌ها برخی از مشارکت‌کنندگان گزارش نهایی مرحله نخست، فرایند تحلیل یا مقوله‌های به دست آمده را بازبینی و نظر خود را در ارتباط با آن‌ها ابراز کردند. چند تن از استادان علوم تربیتی به یافته‌ها را بررسی و درباره آن‌ها اظهار نظر کردند. به طور هم‌زمان، در تحلیل و تفسیر داده‌ها از مشارکت‌کنندگان کمک گرفته شد و با توجه به پیشینه محقق در حوزه علوم تربیتی، سعی شد تحقیق با تکیه بر پرسیدن سؤالات باز و نیز کدگذاری با ذهن باز و با توجه به مسئله اصلی پژوهش در قالب مدل نظام‌مند «استراوس و کربین» به پیش رود تا در حد امکان از سوگیری‌ها احتراز شود.

یافته‌ها

در تحلیل مرحله‌ای یافته‌ها با استفاده از تکنیک‌های تحلیلی استراوس و کربین (۱۳۹۵)، مفاهیم به‌عنوان واحد تحلیل در سطوح متن کل مصاحبه، پاراگراف، عبارت و جملات مورد توجه قرار گرفتند

و با تفکیک متن مصاحبه به عناصر دارای پیام در داخل خطوط یا پاراگراف‌ها، تلاش شد کدهای باز استخراج شوند. از طریق کدگذاری باز، ۱۰۲۴ مفهوم به دست آمد که با طبقه‌بندی آن‌ها، ۵۰ مقوله فرعی شکل گرفتند. این مقوله‌ها در مرحله کدگذاری محوری، حول ۲۹ مقوله اصلی طبقه‌بندی شدند (شکل ۱).

مرحله کدگذاری باز: ۱۰۲۴ گزاره مفهومی اولیه

مرحله کدگذاری محوری ۲۹ گزاره مقوله اصلی و ۵۰ مقوله فرعی

- الف. **موجبات علی:** ۱. توجه به استناددهای کمی و کیفی آموزش؛ ۲. حرفه‌مندی؛ ۳. توجه به نیازهای بازار کار؛ ۴. توسعه متوازن آموزش فنی و حرفه‌ای؛ ۵. انگیزش؛ ۶. بهره‌گیری از شیوه‌ها و امکانات مناسب آموزشی؛ ۷. نظام ارزشیابی و تضمین کیفیت.
 - ب. **راهبردها:** ۱. نیازسنجی؛ ۲. مشارکت ذینفعان؛ ۳. آموزش مربیان؛ ۴. همکاری‌های داخلی و خارجی؛ ۵. آینده پژوهی شغلی؛ ۶. آمایش سرزمینی و برنامه‌ریزی (آمایش سرزمینی، برنامه‌ریزی)؛ ۷. آشنایی کارآموزان با بازار کار؛ ۸. مشاوره و هدایت شغلی صحیح
 - پ. **ویژگی‌های زمینه‌ای:** ۱. درک ارزش مهارت و جایگاه آموزش فنی و حرفه‌ای؛ ۲. مالیه آموزش فنی و حرفه‌ای؛ ۳. ساختار سازمان فنی و حرفه‌ای؛ ۴. پایگاه اطلاعاتی به روز و نظام منسجم مهارتی.
 - ت. **شرایط محیطی:** ۱. محیط فرهنگی اجتماعی؛ ۲. محیط سیاسی؛ ۳. محیط کلان سیاست‌گذاری؛ ۴. محیط اقتصادی؛ ۵. محیط فناوری؛ ۶. محیط بین‌المللی.
 - ث. **پیامدها:** ۱. پیامدهای فردی؛ ۲. پیامدهای سازمانی؛ ۳. پیامدهای اجتماعی.
- پدیده اصلی (مقوله محوری):** هم‌راستایی آموزش‌ها (هم‌راستایی آموزش‌ها با وضعیت اشتغال، هم‌راستایی آموزش‌ها با برنامه‌های اقتصادی و توسعه صنعتی، هم‌راستایی آموزش‌ها با پیشرفت تکنولوژی، هم‌راستایی آموزش‌ها با نیازهای سنی). هم‌راستایی آموزش‌ها با نیازهای سنی).

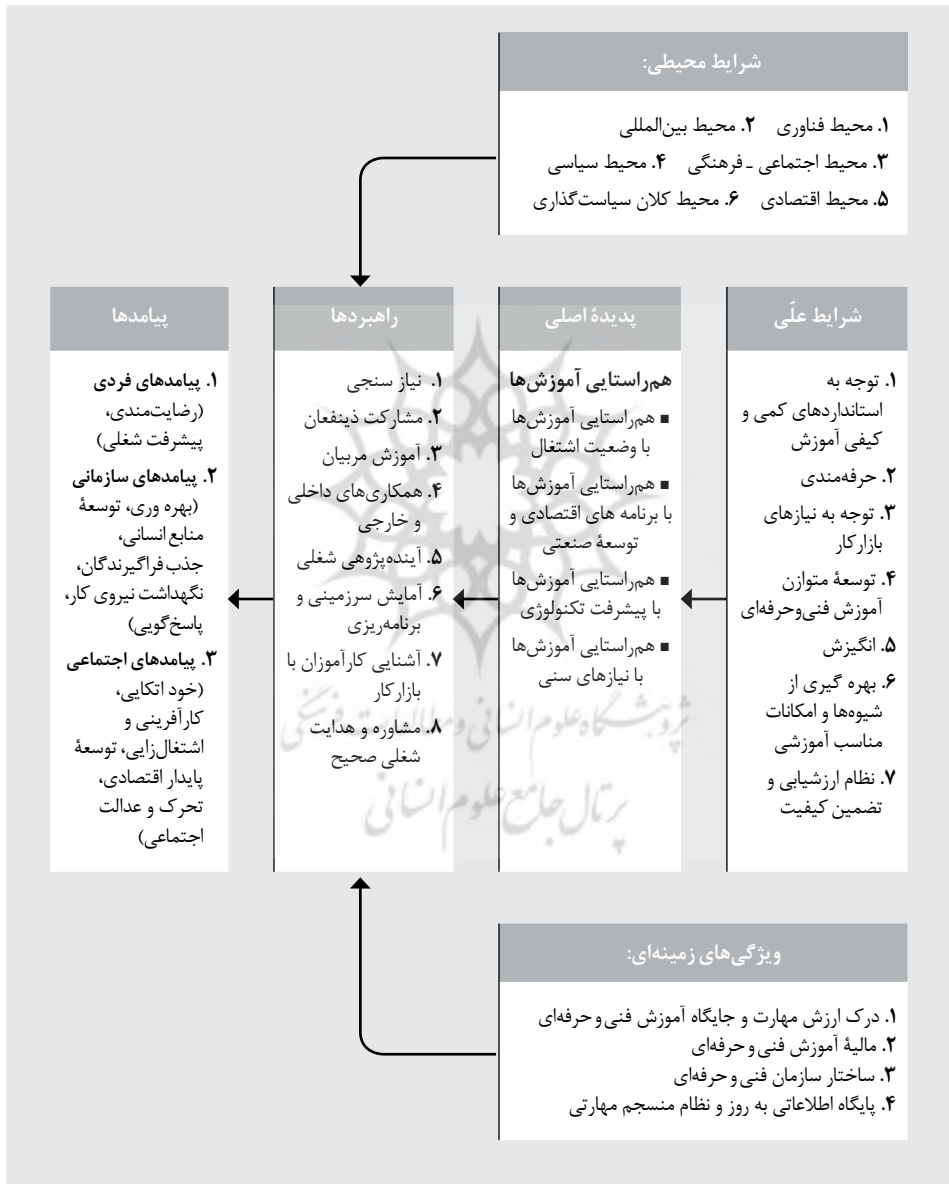
مراحل کدگذاری انتخابی: ابعاد شش گانه مدل

- شرایط علی (۷)؛ مقوله اصلی هم‌راستایی آموزش‌ها (هم‌راستایی آموزش‌ها با وضعیت اشتغال، هم‌راستایی آموزش‌ها با برنامه‌های اقتصادی و توسعه صنعتی، هم‌راستایی آموزش‌ها با پیشرفت تکنولوژی، هم‌راستایی آموزش‌ها با نیازهای سنی)؛ مقوله راهبردها (۸)؛ ویژگی‌های زمینه‌ای (۴)؛ شرایط محیطی (۶)؛ پیامدها (۳)

شکل ۱. فرایند مدیریت داده‌ها و تکامل مدل در سه مرحله کدگذاری

در طول فرایند کدگذاری انتخابی و فرایند تلفیق برای یکپارچه‌سازی و پالایش نظریه، متن مصاحبه‌های انجام شده چندین بار بررسی شد. و بعد از مشخص شدن مقوله مرکزی (پدیده اصلی) و استفاده از آن برای نزدیک کردن مقوله‌ها، عبارت‌ها و ایده‌هایی که بیانگر روابط بین مقوله‌های اصلی و فرعی بودند، مورد توجه قرار گرفتند. بر همین اساس، روابط بین مقوله‌های اصلی و الگویی پارادیمی تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار شکل گرفت. در نهایت مقوله‌های آشکار شده در

قالب ابعاد شش گانه مدل پارادایمی، با روابطی که بین آن‌ها وجود دارد، به این صورت شکل گرفتند: شرایط علی (هفت مقوله)، مقوله اصلی (هم‌راستایی آموزش‌ها)، راهبرد (هشت مقوله)، شرایط محیطی (شش مقوله)، ویژگی‌های زمینه‌ای (چهار مقوله) و پیامد (سه مقوله)، (شکل ۲).



شکل ۲. الگوی پارادایمی تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار

ملاحظه می‌شود که در این الگو کانون توجه اطلاع‌رسانان (مقوله کانونی) پدیده اصلی یعنی همراستایی آموزش‌هاست. پدیده اصلی عبارت از مقوله‌ای است که به ما می‌گوید «چه چیزی در جریان است». اطلاع‌رسانان، این پدیده را از طریق موجبات علی آن توضیح می‌دادند و می‌خواستند بیان کنند چه موجباتی در فرایند شکل‌گیری این پدیده تأثیر دارند و این فرایند در کدام زمینه و با چه ویژگی‌ها و در چه شرایط محیطی صورت می‌گیرد و چه مداخلات و راهبردهایی می‌توانند بر آن اثر بگذارند (فراستخواه، ۱۳۸۷).

در تحقیق حاضر، «همراستایی آموزش‌ها» مقوله‌ای است که همه عوامل و تأثیرات در جهت توصیف آن حرکت می‌کنند. این مقوله عبارت از درجه‌ای است که صاحبان صنایع شهر یزد، این آموزش‌ها را متناسب با نیازهای بازار کار می‌دانند. همراستایی آموزش‌ها شامل همراستایی با وضعیت اشتغال، برنامه‌های اقتصادی و توسعه صنعتی، پیشرفت تکنولوژی، و نیازهای سنی است. چگونگی اکتشاف مقوله اصلی را می‌توان به چندین نقل قول از مصاحبه‌شوندگان ارجاع داد. یکی از مصاحبه‌شوندگان، این‌گونه این مفهوم را رساند: «با وجود ارتقای دانش فنی در حوزه صنعت و ارتقای دانش فنی در کشاورزی کشور و تعریف شغل‌های جدید در حوزه‌های فناوری، متأسفانه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از نظر کیفی تغییر قابل ملاحظه‌ای نکرده‌اند و دوره‌های آموزشی موجود پاسخگوی نیازها شغلی نیستند و یا آموزش‌های ارائه شده با بازار کار موجود متناسب نیست و کارآموزان از دانش و مهارت کافی برخوردار نیستند». یکی دیگر از مصاحبه‌شوندگان چنین اظهار نظر کرد: «با توجه به جهانی شدن صنعت و همچنین پیشرفت تکنولوژی و واردات تکنولوژی و واردات دستگاه‌های پیشرفته، به خصوص در بخش صنعت، آموزش مهارت‌های فنی و حرفه‌ای به دلیل به روز نبودن و نداشتن استانداردهای آموزشی مطابق با تکنولوژی‌های به روز و پیشرفته جهان، از کیفیت و اثر بخشی مناسب برخوردار نیست».

می‌توان گفت که سرمایه انسانی مورد نیاز بخش‌های مختلف نظام اجتماعی زمانی فراهم می‌شود که نوعی تطابق بین نیازها و آموزش‌ها وجود داشته باشد (سلیمی، ۱۳۹۳). بنابراین، خلق شرایطی که بتواند آموزش‌های هم‌راستا با نیازهای ذینفعان را ارائه کند، تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را با نیازهای بازار کار افزایش خواهد داد.

■ بحث

● موجبات علی

موجبات علی شامل عواملی است که به طور مستقیم به پدیده اصلی همراستایی آموزش‌ها منجر می‌شوند. موجبات علی خود از هفت مقوله اصلی تشکیل یافته است:

○ توجه به استانداردهای کمی و کیفی آموزش: توجه به استانداردهای کمی و کیفی آموزش‌های

فنی و حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین مقوله‌هایی است که به طور مستقیم تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار را در پی دارد و بی‌توجهی به آن، دستیابی به هدف متناسب‌سازی آموزش‌ها با نیازهای بازار کار را ناممکن می‌سازد. مصاحبه‌شوندگان درباره آن چنین اظهار کرده‌اند: «کیفیت دوره‌های آموزشی مراکز فنی و حرفه‌ای با استانداردهای موجود در بازار کار متناسب نیست و بازدهی و اثربخشی لازم آموزش در بخش صنعت را ندارد البته این موضوع به تجدید نظر در استانداردهای آموزشی مربوط می‌شود. باید در تدوین استاندارد تجدید نظر کرد و مطابق با آن‌ها و شرایط بازار کار مباحث را تدوین و تدریس کرد».

○ **حرفه‌مندی:** تحقیقات آراسته و محمودی‌راد (۱۳۸۲) نشان داد، مهارت‌های تخصصی در آموزش اثربخش ایفای نقش می‌کنند. مقوله حرفه‌مندی شامل حرفه‌مندی مربیان و حرفه‌مندی مدیران است. مصاحبه‌شوندگان درباره آن چنین گفته‌اند: «مربیان آموزش فنی و حرفه‌ای باید برای افزایش مهارت خود در راستای هدف سازمان تلاش کنند و همچنین با افزایش توانایی و مهارت در رشته‌های متنوع فنی و خدماتی، به بالا رفتن کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای کمک کنند». برنامه‌ریزی کارا، سازمان‌دهی کارا، ارزشیابی کارا، ویژگی‌های فردی مدیر، روابط انسانی و اجتماعی مدیر و همکاران او و مهارت‌های ذریبط، در افزایش کارایی واحد آموزشی تأثیر گذارند.

○ **توجه به نیازهای بازار کار:** توجه به نیازهای بازار کار در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، به طور مستقیم و بی‌واسطه آموزش‌ها را با نیازهای بازار کار متناسب می‌کند. در این باره مصاحبه‌شوندگان چنین اظهار کردند: «با توجه به اینکه کارآموزانی که برای استخدام به این کارخانه معرفی می‌شوند، از آموزش‌های لازم برخوردار نیستند، لازم است مسئولان مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای آموزش‌هایی را ارائه کنند که مورد نیاز بازار کار باشد».

○ **توسعه متوازن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای:** سیاست‌گذاری توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای باید به نحوی صورت گیرد که تمامی مناطق بتوانند از مزایای آن‌ها بهره‌مند شوند و بخش‌هایی از جامعه مجبور نباشند برای دستیابی به این آموزش‌ها، هزینه‌های مازاد بپردازند. مصاحبه‌شوندگان در این باره بیان کردند: «توسعه نامتوازن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین موانع تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار است». «نداشتن دسترسی کامل دانش‌آموزان، به ویژه دختران روستایی، به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، از موانعی است که باید به آن توجه داشت».

○ **انگیزش:** انگیزه‌ها نیازها، تمایلات و سائق‌های رفتاری هستند که مبین چرایی رفتار افرادند و اساساً بر رفتار مقدم هستند (لیزیو و ویلسون^{۱۰}، ۲۰۰۹). مقوله انگیزش شامل انگیزش کارآموزان و انگیزش سرمایه‌گذاران است. مصاحبه‌شوندگان در مورد آن گفتند: «به هر شکل، تغییر نگاه جامعه باید به واسطه اقداماتی برای ایجاد انگیزه لازم در افراد شکل گیرد. لذا ضرورت فرهنگ‌سازی در

ارتباط با مزیت‌های سیستم آموزش دوگانه فنی و حرفه‌ای همراه با کار، ضروری به نظر می‌رسد».

○ **بهره‌گیری از شیوه‌ها و امکانات مناسب آموزشی:** توجه به بودجه‌های تحقیقاتی و تجهیز آزمایشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی به امکانات به روز و کافی می‌تواند زمینه‌ساز حضور با نشاط و مؤثر پژوهشگران در برآورده کردن انتظارات ذینفعان از مراکز آموزشی باشد. مصاحبه‌شوندگان در مورد آن اینگونه گفتند: «خلاقیت متولیان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ارائه آموزش‌ها کیفیت آموزش‌ها را بالا می‌برد و مهارت‌آموزان را بیشتر جذب می‌کند. لازم به ذکر است، اگر خلاقیت در آموزش‌های مطابق با تکنولوژی روز و منطبق با نیازهای بازارکار باشد، می‌تواند تأثیر بسزایی در مهارت‌آموزی بگذارد».

○ **نظام ارزشیابی و تضمین کیفیت:** ارزیابی کیفیت به عنوان ابزاری است که مؤسسه‌ها و نهادها اهداف برنامه‌هایشان را با نتایج اندازه‌گیری شده آن مقایسه می‌کنند (تریپاتی و جیوان، ۲۰۰۹). مصاحبه‌شوندگان در مورد آن گفتند: «نبود نظام تضمین و کنترل کیفیت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از چالش‌های فرا روی تناسبات آموزش‌ها با نیازهای بازارکار محسوب می‌شود».

● راهبردها

مطابق نظر استراوس و کرین، راهبردها، اعمال، تعاملات و کنش‌هایی هستند که افراد در عمل عادی و مدیریت موقعیت‌ها در هنگام مواجهه با مسائل به کار می‌برد؛ رفتارهایی که مردم، سازمان‌ها و جوامع انجام می‌دهند یا می‌گویند (استراوس و کرین، ۱۳۹۵). در این پژوهش هشت دسته راهبرد اساسی برای انجام مداخله شناسایی شد: نیازسنجی؛ مشارکت ذینفعان؛ آموزش مربیان؛ همکاری‌های داخلی و خارجی؛ آینده‌پژوهی شغلی؛ آمایش سرزمینی و برنامه‌ریزی؛ آشنایی کارآموزان با بازارکار؛ مشاوره و هدایت صحیح شغلی.

○ **نیازسنجی:** نیازسنجی دقیق و مداوم می‌تواند نیازهای جامعه به نیروی انسانی مورد نیاز را در همه بخش‌ها تأمین کند. مصاحبه‌شوندگان در مورد آن این‌گونه بیان می‌کردند: «مبنای منطقی هر برنامه وجود نیاز یا مجموعه‌ای از نیازهاست. برنامه‌ریزان آموزش‌های مهارتی در مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای ناگزیرند برای تدوین برنامه‌ها و طرح‌های آموزشی خود، با نیازهای بازارکار متناسب باشند و نسبت به جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات در خصوص بازارکار منطقه اقدام کنند که در سال‌های اخیر تا حدودی این‌گونه رفتار شده است».

○ **مشارکت ذینفعان:** در این مقوله، مصاحبه‌شوندگان بر مشارکت ذینفعان به دلیل نقش مؤثر آن‌ها در رویارویی و مواجهه مؤثر با چالش‌ها تأکید دارند. تصدیقی (۱۳۸۱) مشارکت را فرایندی می‌داند که افراد در گروه‌های تعامل، با ارتباط اثربخشی تلاش می‌کنند با به میدان آوردن توانایی‌های ذهنی و روحی خود، برای خود، برای مسئله یا هدف خود راه‌حل یا راهبردهای مناسب پیدا کنند. مصاحبه‌شوندگان

درباره آن چنین اظهار کردند: «مدیرانی که به کارکنان خود اعتماد و اطمینان می‌کنند و آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت می‌دهند و محیطی به وجود می‌آورند که کارمندان در آن قدر و منزلت، احترام، احساس شخصیت، امنیت و آرامش کنند، می‌توانند انجام کار را از نظر کمیت و کیفیت به بالاترین درجه سودمندی برسانند».

○ **آموزش مربیان:** نیازهای بازار کار همراه با تغییرات محیط دچار تغییر می‌شوند. رفع نیازهای جدید مستلزم آن است که مربیان به طور مستمر از آموزش‌های به روز برخوردار شوند. مصاحبه‌شوندگان درباره آن چنین اظهار کرده‌اند: «دانش کافی نداشتن مربیان برای آموزش حرفه‌های جدید، با توجه به نیاز بازار کار، از چالش‌هایی است که باید با تأمین و تربیت مربیان مورد نیاز سازمان، و تنظیم و اجرای برنامه‌های آموزشی کاربردی (کارگاهی) و ارتقا دهنده دانش فنی مربیان و آشنا کننده آنان با فناوری‌های جدید، بر آن فائق آمد».

○ **همکاری‌های داخلی و خارجی:** سازمان فنی و حرفه‌ای همانند سایر مؤسسه‌های آموزش عالی باید با بخش‌های گوناگون، به خصوص صنعت، در ارتباط باشد. به هر حال، همکاری‌های دوجانبه این دو نهاد فعالیت‌هایی را در بر می‌گیرد که هیچ کدام از آن‌ها به تنهایی قادر به انجام دادن آن‌ها نیستند (شفیعی و آراسته، ۱۳۸۳). مصاحبه‌شوندگان درباره آن چنین گفتند: «به هر حال، امروزه چه بخواهیم و چه نخواهیم، ناگزیریم با دیپلماسی مناسب مهارت و فناوری، بدون اتکا به منابع نفتی، نقشی شایسته در اقتصاد جهانی ایفا کنیم. کسب جایگاه مناسب در منطقه و جهان مستلزم شناخت و تعیین اصول دیپلماسی مهارت و فناوری است».

○ **آینده پژوهی شغلی:** در محیط متغیر امروزی، بسیاری از مشاغل، در برهه زمانی کوتاهی امکان زیست خود را از دست می‌دهند و مشاغل جدیدی جایگزین آن‌ها می‌شوند. در این باره، مصاحبه‌شوندگان اظهار کردند: «شناختن آینده حرفه‌ها و مشاغل آینده، فناوری اطلاعات، روباتیک، نانو تکنولوژی، فناوری زیستی، استفاده از انرژی‌های نو و تربیت نیروی مناسب و توانمند با این مشاغل و حرفه‌های جدید آینده، از موانع تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار هستند».

○ **آمایش سرزمینی و برنامه‌ریزی:** آمایش سرزمین یعنی ایجاد تعادل بین سه عنصر انسان، فضا و فعالیت که درباره انسان «مدیریت» مطرح است، درباره فضا «اقلیم» و درباره فعالیت مقوله «برنامه و برنامه‌ریزی» برجسته می‌شود (خنیفر، ۱۳۸۹). هدف اساسی از مدیریت و برنامه‌ریزی آمایش سرزمین، توزیع فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و ظرفیت‌های آشکار و پنهان، با توجه به تحولات و دگرگونی‌های زمان و نیازهاست که به طور عمده با دیدی درازمدت و به منظور بهره‌برداری بهینه از امکانات آن و همچنین هویدا کردن و مسئولیت خاص هر منطقه براساس توانمندی‌ها و قابلیت‌های

آن به‌طور هماهنگ با دیگر مناطق است (نسل سراجی و همکاران، ۱۳۹۶؛ به نقل از عابدینی، ۱۳۹۶). مصاحبه‌شوندگان در مورد آن این‌گونه بیان می‌کردند: «سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای باید برنامه‌ریزی‌های آموزشی را تحت عنوان معادله آموزش، تولید و بازاریابی و فروش در هر استان، متناسب با ظرفیت‌های استان و بر اساس آمایش سرزمین، برنامه‌ریزی کند تا برنامه‌ها بر اساس نیازهای هر منطقه شناسایی و آموزش‌ها بر همان اساس صورت گیرند».

○ **آشنایی کارآموزان با بازار کار:** آشنایی کارآموزان با بازار کار از مهم‌ترین راهبردهایی است که می‌توان برای دستیابی به هدف متناسب سازی آموزش‌ها با نیازهای بازار کار از آن بهره جست. مصاحبه‌شوندگان در مورد آن این‌گونه گفتند: «آشنایی کارآموزان فنی و حرفه‌ای با بازار کار، قبل و حین انتخاب رشته مهارتی، از موانع تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار است. در این باره پیشنهاد می‌شود یک دفترچه اطلاعاتی کامل در مورد نیاز انواع شغل‌ها و نیاز کارگاه‌ها تهیه و در اختیار مراجعان گذاشته شود».

○ **مشاوره و هدایت شغلی صحیح:** پیش‌بینی منابع انسانی و توجه به تفاوت‌های فردی و هدایت آن‌ها به سمت شکوفایی در راستای تأمین نیروی انسانی، کاری بسیار سخت است و هماهنگی زیادی را می‌طلبد. برخی مشاغل برای افراد سربزه‌زیر و ساکت مناسب‌اند، درحالی‌که برخی دیگر برای افراد برونگرا و سازگار مناسب به نظر می‌رسند (علی‌آبادی، ۱۳۹۲؛ به نقل از عابدینی، ۱۳۹۶). مصاحبه‌شوندگان در مورد آن این‌گونه گفتند: «مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای باید برای افزایش میزان اثربخشی، به کارآموزان مشاوره و هدایت شغلی بدهند تا آموزش متناسب با استعداد و قابلیت فرد انجام شود».

● ویژگی‌های زمینه‌ای

آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از بسترهایی متأثر است که در آن راهبردهای متناسب این آموزش‌ها با نیازهای بازار کار شکل می‌گیرند و در نهایت هم اثرات آن‌ها در راهبردها و پیامدها ظاهر خواهند شد. در مطالعه حاضر، ویژگی‌های زمینه‌ای در قالب چهار مقوله «درک ارزش مهارت و جایگاه آموزش فنی و حرفه‌ای، مالیه آموزش فنی و حرفه‌ای، ساختار سازمان فنی و حرفه‌ای، پایگاه اطلاعاتی به روز و نظام منسجم مهارتی»، شناسایی شدند.

○ **درک ارزش مهارت و جایگاه آموزش فنی و حرفه‌ای:** یکی از مهم‌ترین بسترهایی که راهبردهای ایجاد تناسب میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و نیازهای بازار کار می‌توانند در آن تحقق پیدا کنند، درک ارزش مهارت و جایگاه آموزش فنی و حرفه‌ای است. مصاحبه‌شوندگان در این باره چنین گفتند: «سنگ زیربنای موفقیت، به درک افراد، شرکت‌ها و دستگاه‌های دولتی از ارزش مهارت‌ها وابسته است. بیشتر افراد و سازمان‌ها باید متقاعد شوند که موفقیت درآینده به ارتقای سطح مهارت‌ها وابسته است. اگر افراد و سازمان‌ها باور کنند که ارتقای مهارت‌ها ارزشمند است، آن را در اولویت قرار می‌دهند».

○ **مالیه آموزش فنی و حرفه‌ای:** راه‌های متعددی را می‌توان تعیین کرد که از طریق آن‌ها منابع میان برخوردارشوندگان از خدمات آموزشی و عرضه‌کنندگان خدمات آموزشی اختصاص می‌یابد (نادری، ۱۳۸۳). مصاحبه‌شوندگان در مورد آن چنین گفتند: «از آنجا که آموزش فنی و حرفه‌ای نسبت به آموزش‌های عمومی پرهزینه‌تر است، دولت‌ها در توسعه این آموزش‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای دارند. این بدان معنی است که دولت‌ها باید در تخصیص منابع مالی به آموزش فنی و حرفه‌ای توجه ویژه‌ای را به این آموزش‌ها معمول دارند، چرا که سرمایه‌گذاری نامناسب بازده مناسب نخواهد داشت».

○ **ساختار سازمان فنی و حرفه‌ای:** ساختار سازمانی باید به گونه‌ای باشد که دو کار مهم انجام دهد. این ساختار باید در مورد مسئولیت‌ها چارچوبی ارائه دهد. همچنین، باید بتواند بین ارکان اصلی سازمان ارتباط برقرار کند و سازمان را به صورت مجموعه‌ای منسجم و واحد درآورد که همه فعالیت‌های درون آن هماهنگ باشند (دفت، ۱۳۷۸). مصاحبه‌شوندگان درباره آن چنین گفتند: «ساختار مدیریت در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید انعطاف کافی داشته باشد و آمادگی لازم را برای تغییر، با توجه شرایط بازار کار و حرفه‌ها و صنایع داشته باشد، بر روابط افقی در ساختار مراکز فنی و حرفه‌ای، به جای روابط عمودی، تأکید کند. همچنین، قائم به فرد نباشد، یعنی با جابه‌جایی مدیر سازمان، محیط سازمان فعالیت خود را به نحو احسن انجام دهد و در راستای پیشبرد اهداف سازمان حرکت کند».

○ **پایگاه اطلاعاتی به روز و نظام منسجم مهارتی:** امروزه بدون داشتن یک پایگاه اطلاعاتی به روز و نظام منسجم مهارتی نمی‌توان سیاست‌ها و برنامه‌های کارآمدی را برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تدارک دید. مصاحبه‌شوندگان درباره آن چنین اظهار کردند: «دستیابی به این سیاست‌ها و راهبردها زمانی میسر است که قوانین و مقررات موجود همگرا باشند و دستگاه یا نهاد معینی را برای اجرای دوره‌های آموزش فنی و حرفه‌ای تعیین کنند و به رسمیت بشناسند تا تغییرات رفتاری مورد نظر به نحو مطلوب ایجاد کنند و کلیه برنامه‌های آموزش با محوریت اجرایی آن نهاد و با بهره‌گیری از امکانات لازم به اجرا درآیند. تداخل وظایف و نبود انسجام، وجود ضوابط و قوانین متفاوت برای مقاصد واحد و یکپارچه نبودن، از آفت‌های نبود انسجام در نظام مهارتی است».

● شرایط محیطی

تحلیل مصاحبه‌ها نشان می‌دهد، علاوه بر شرایطی که به طور مستقیم هم‌راستایی آموزش‌ها را متأثر می‌سازند، عواملی وجود دارند که این شرایط مرتبط هستند و تداوم داشتن یا نداشتن آن را موجب می‌شوند (استراوس و کربین، ۱۳۹۵). موجبات علی‌پدیده تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، نه در خلأ، بلکه در شرایط محیطی شکل می‌گیرند. در نتیجه، توضیح فرایند تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، به فهم شرایط محیطی نیاز دارد. در مطالعه حاضر، شرایط محیطی از شش مقوله اصلی

مسائل فرهنگی - اجتماعی، محیط سیاسی، محیط کلان سیاست‌گذاری، محیط بین‌المللی، محیط فناوری، و محیط اقتصادی تشکیل شده است.

○ **محیط فرهنگی - اجتماعی:** فرهنگ مهم‌ترین سطح شرایط محیطی را تشکیل می‌دهد (فراستخواه، ۱۳۸۷). مصاحبه‌شوندگان در این مورد این‌گونه اظهار نظر کردند: «با توجه به مدل‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه و تفاوت‌های بنیادین روش‌های آموزش کشورها، در ابتدا لازم است برای بومی‌سازی نظام آموزش دوگانه فنی و حرفه‌ای، همراه با کار در ایران و انطباق آموزش‌ها با شرایط موجود کشور، تلاش شود تا بتوان برای حل مشکل بی‌کاری و ارتقای سطح مهارت نیروی کار گام‌های مؤثری برداشت».

○ **محیط سیاسی:** در جوامعی مانند ایران که دولت به دلایل تاریخی و ساختاری نقش مهمی در شکل‌گیری شرایط محیطی آن دارد، ویژگی‌های ساختی - کارکردی دولت می‌تواند در فرایند مهارت‌آموزی تأثیر مثبت یا منفی بگذارد (فراستخواه، ۱۳۸۷). مصاحبه‌شوندگان در این باره چنین گفتند: «دولت می‌تواند با تخصیص پاداش سیاسی بابت تأثیر مثبت اقتصادی و اجتماعی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، نقش مؤثری در برطرف کردن نیازهای بازار کار ایفا کند».

○ **محیط کلان سیاست‌گذاری:** سیاست‌گذاری آموزشی دولت‌ها یکی از نخستین فعالیت‌های سیاست‌گذاری در حیطه اداره امور عمومی است، زیرا مبدأ جامعه‌پذیری و تحرک افراد جامعه به سوی دیگر سیاست‌ها به شمار می‌رود (نیازآذری، اسماعیلی شاد و ربیعی دولابی، ۱۳۹۰). مصاحبه‌شوندگان در مورد آن گفتند: «نبود سیاست‌گذاری سازمانی برای بسترسازی مناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مطابق با بازار کار و روشن نبودن راهبرد تحقیقاتی درازمدت سازمان، از جمله موانع درون سازمانی هستند».

○ **محیط بین‌المللی:** جهانی شدن و بین‌المللی شدن آموزش فنی و حرفه‌ای آن را در شرایط رقابتی قرار می‌دهد و ضرورت توجه به کیفیت آن را بیشتر می‌کند. مصاحبه‌شوندگان در این باره بیان کردند: «امروزه آنچه اقتصاد جهانی را بیش از پیش تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، بازارهای کار و اشتغال ملی و بین‌المللی هستند که هر روز متفاوت‌تر و متنوع‌تر از قبل می‌شوند».

○ **محیط فناوری:** در محیطی که به طور مداوم فناوری‌های جدید، به بازار عرضه می‌شوند، این ضرورت احساس می‌شود که به‌منظور همگام شدن با تکنولوژی‌های جدید ناچار به آموزش افرادی هستیم که می‌خواهند از این فناوری‌ها بهره‌مند شوند. مصاحبه‌شوندگان گفتند: «توجه نکردن به چگونگی امکان به روز نگه‌داری کارگاه‌ها و تجهیزات فنی این مراکز، در عصری که فناوری‌ها و روش‌ها به سرعت قابل تغییرند و تغییر و تبدیل تجهیزات در هر مرحله اعتبارات قابل توجهی نیاز دارند».

○ **محیط اقتصادی:** در اقتصاد توسعه یافته صنعت رشد خواهد یافت. در نتیجه، مشاغل صنعتی

افزایش می‌یابند و به دنبال آن بازارکار نیروی انسانی این بخش افزایش خواهد یافت. مصاحبه‌شوندگان درباره آن گفتند: «آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، به سبب انعطاف‌پذیری نشست گرفته از خصیصه‌های بازارکار و اوضاع اقتصادی کشور و نیز به دلیل ایجاد مهارت‌های لازم در افراد برای توانایی احراز مشاغل، نقش بسزایی در اشتغال دارد».

● پیامدها

مطابق الگوی پارادایمی استراوس و کربین (۱۳۹۵) انجام یا عدم انجام هر عملی که به منظور اداره یا حفظ وضعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شوند، پیامدهای خواسته یا ناخواسته‌ای را پدید می‌آورند. پیامدها در پژوهش حاضر شامل سه دسته کلی می‌شوند: فردی، سازمانی و اجتماعی.

○ **پیامدهای فردی:** یعنی نتایجی که فرایند تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازارکار برای افراد شرکت‌کننده در آموزش در پی خواهد داشت. در پژوهش حاضر، پیامدهای فردی از دو مقوله رضایت‌مندی و تعهد کارکنان و پیشرفت شغلی تشکیل شده است. مصاحبه‌شوندگان درباره آن چنین گفتند: «در مورد پیامدهای تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازارکار می‌توان به ورود افراد به بازارکار و دستیابی به شغل‌های پایدار و با ثبات، افزایش نیروی کار خلاق و کارآمد، افزایش اشتغال مولد، بهبود فضای کسب و کار، استفاده بهینه از فرصت‌های شغلی، و افزایش کارایی نیروی انسانی اشاره کرد».

○ **پیامدهای سازمانی:** پیامدهای سازمانی به بروندهای اشاره دارد سازمان‌هایی که افراد آن‌ها از این آموزش‌ها برخوردار می‌شوند. این بروندها عبارت‌اند از: مقولات بهره‌وری، توسعه منابع انسانی، جذب فراگیرندگان، نگهداشت نیروی کار، و پاسخگویی. مصاحبه‌شوندگان درباره آن چنین بیان کردند: «تربیت افراد کارآفرین، کارآمد و دارای فرهنگ غنی از اخلاق و وجدان کاری، افزایش توانایی‌های دانش، مهارت و قدرت درک افراد و انجام مطلوب‌تر کار در محدوده وظایف شغلی، بالا بردن توانایی لازم برای اشتغال در حرفه مورد نظر، بازدهی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در میان‌مدت و کوتاه‌مدت و ارتقای مهارت نیروی کار شاغل، از پیامدهای تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازارکار است».

○ **پیامدهای اجتماعی:** پیامدهای اجتماعی به بروندهایی که فراتر از فرد است و اجتماع را نیز در بر می‌گیرد و شامل مقولات خوداتکایی، کارآفرینی و اشتغال‌زایی، توسعه پایدار اقتصادی، تحرک و عدالت اجتماعی می‌شود. مصاحبه‌شوندگان درباره آن چنین اظهار نظر کردند: «انتظار می‌رود با متناسب‌سازی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازارکار بتوان اهدافی چون هزینه کمتر، بازدهی سریع‌تر اقتصادی، انعطاف‌پذیری و قابلیت انطباق با تغییرات تکنولوژی، بالا بردن زمینه خود اتکایی و کارآفرینی، بهره‌وری بیشتر و دستیابی به حد اکثر راندمان تولید را محقق ساخت».

نتیجه‌گیری

«طراحی الگوی تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار» هدف اصلی پژوهش حاضر بود. در این راستا، از رویکرد پژوهشی کیفی بهره بردیم. پژوهشگر از طرح نظام‌مند نظریه داده بنیاد (استراوس و کربین، ۱۳۹۵) برای شناسایی پدیده تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار بهره گرفته و با تحلیل داده‌های کیفی، در سه مرحله کدگذاری باز، محوری و انتخابی، به طراحی الگوی پارادایمی پژوهش دست یافته است. الگوی پارادایمی حاکی از آن است که پدیده اصلی هم‌راستایی آموزش‌ها تحت تأثیر عواملی از قبیل توجه به استانداردهای کمی و کیفی آموزش، حرفه‌مندی، توجه به نیازهای بازار کار، توسعه متوازن آموزش فنی و حرفه‌ای، انگیزش، بهره‌گیری از شیوه‌ها و امکانات مناسب آموزشی، نظام ارزشیابی و تضمین کیفیت ایجاد می‌شود و بدون وجود و کارکرد درست آن‌ها، دستیابی به تناسب آموزش‌ها ممکن نیست. در این میان، راهبردهایی از دیدگاه مصاحبه‌شوندگان و با عنایت به تجربه‌ها و ادراک آنان از وضعیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به دست آمد که عبارت‌اند از: نیازسنجی، مشارکت ذینفعان، آموزش مربیان، همکاری‌های داخلی و خارجی، آینده پژوهی شغلی، آمایش سرزمینی و برنامه‌ریزی، آشنایی کارآموزان با بازار کار، مشاوره و هدایت شغلی صحیح. این راهبردها در تناسب آموزش‌ها با نیاز بازار کار نقش شایان توجهی دارند. ولی برای استقرار و پیاده سازی آن نباید از نقش شرایط محیطی از قبیل محیط اقتصادی، محیط سیاسی، مسائل فرهنگی - اجتماعی، محیط کلان سیاست گذاری، محیط بین‌المللی، محیط فناوری و همچنین نقش ویژگی‌های زمینه‌ای مانند درک ارزش مهارت و جایگاه آموزش فنی و حرفه‌ای، مالیه آموزش فنی و حرفه‌ای، ساختار سازمان فنی و حرفه‌ای، پایگاه اطلاعاتی به روز و نظام منسجم مهارتی غافل شد. در نهایت، با وجود این کنش‌ها و واکنش‌ها و با دستیابی به آموزش‌های متناسب با نیاز بازار کار، باید منتظر پیامدهایی در سطح فردی، سازمانی و اجتماعی باشیم. بازار کار ایران با چالش‌های عدیده‌ای روبه‌رو است. بالا بودن نرخ بیکاری، ارتباط نداشتن نظام آموزشی با بازار کار، نبود تعادل در بازار از لحاظ جنسیتی، سنی و تحصیلی، ترکیب نامتناسب شاغلان از نظر تحصیل و مهارت و توزیع نامتناسب نیروی کار در بخش‌های اقتصادی، از جمله این مشکلات هستند (امیری، ۱۳۸۸). تحصیلات زمانی به افزایش کارایی افراد منجر می‌شوند که ضمن توجه به مباحث نظری، جنبه‌های کاربردی آموزش را نیز در نظر گرفته باشند (نفیسی، ۱۳۷۹). آموزش‌های

فنی و حرفه‌ای با توأمان کردن آموزش‌های علمی و نظری این امکان را برای افراد آموزش دیده فراهم می‌کنند که هم‌سویی بیشتری با نیازهای بازار کار داشته باشند و از این طریق امکان بیشتری برای جذب آن‌ها در فعالیتهای اقتصادی-اجتماعی فراهم شود (افروزش و شمسایی، ۱۳۹۳).

برخی از محدودیت‌های پژوهش عبارت‌اند از: بهره‌مند نشدن از نظرات مهارت‌آموزان. از آنجا که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برنامه‌ای است برای مهارت‌آموزان و کمک به آن‌ها، شاید وجود نظرات آنان مدل و استنباط دیگری را ایجاد کند؛ بهره‌مند نشدن از نظرات سیاست‌گذاران حوزه فنی و حرفه‌ای. این افراد به دلیل فعالیت زیاد در این حوزه، اطلاعات فراوانی در اختیار دارند و کمک آن‌ها می‌تواند الگو را کامل‌تر کند؛ در نهایت، فراهم نبودن شرایط برگزاری مصاحبه‌های جمعی به صورت گروه‌های کانونی نیز از دیگر محدودیت‌های این پژوهش بود. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، پیشنهاد می‌شود:

۱. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر اساس نیازسنجی دقیق و مداوم طراحی و اداره شوند.
۲. تمامی ذینفعان در طراحی و اجرای سیاست‌ها مشارکت داشته باشند.
۳. تعاملات و همکاری‌های داخلی و بین‌المللی با تمامی سازمان‌ها و افرادی که می‌توانند به ایجاد تناسب آموزش‌ها با نیازهای بازار کار کمک کنند، در دستور کار قرار گیرد.
۴. آینده پژوهی شغلی مبنای سیاست‌گذاری حوزه آموزش فنی و حرفه‌ای قرار گیرد و به طور مستمر پی‌گیری شود.
۵. سیاست‌های توسعه آموزش فنی و حرفه‌ای بر مبنای آمایش سرزمینی طراحی شوند و توازن توسعه این آموزش‌ها در تمام نقاط کشور در دستور کار قرار گیرد.
۶. برنامه‌های متنوعی برای آشنایی کارآموزان با بازارهای کار طراحی شود تا بتوان پیوند مناسبی میان این آموزش‌ها با نیازهای بازار کار به وجود آورد.
۷. برای رفع کمبودهای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، منابع مالی مشخص تأمین شوند و تخصیص یابند.
۸. مشاوره و هدایت شغلی صحیح جزو جدایی‌ناپذیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تعریف شود.

منابع

- آراسته، حمیدرضا و محمودی راد، مریم. (۱۳۸۲). آموزش اثربخش: رویکردی بر اساس ارزیابی تدریس توسط دانشجویان. مجله دانشگاه علوم پزشکی سمنان، ۵(۲)، ۱-۷.
- آبتی، محسن و فتیحی، میترا. (۱۳۹۳). بررسی ارتباط برنامه درسی (مهارت‌های عمومی) آموزش‌های فن‌وحرفه‌ای با نیازهای بازارکار شهر بیرجند. مهارت‌آموزی، ۸(۹۳-۹۴)، ۱۱۰-۱۱۱.
- احمدی، حجت و آتشک، محمد. (۱۳۹۱). نیازسنجی آموزش‌های فن‌وحرفه‌ای مرتبط با زیست‌فناوری در سازمان آموزش فن‌وحرفه‌ای ایران. مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، ۱(۱)، ۱۶۱-۱۸۰.
- استراوس، آنسلم و کربین، جولیت. (۱۳۹۵). مبانی پژوهش کیفی فنون و مراحل تولید. نظریه زمینه‌ای (ترجمه ابراهیم افشار). تهران: نشر نی.
- افروزمناش، افسانه و شمسانی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر آموزش‌های فن‌وحرفه‌ای خراسان رضوی بر اشتغال مهارت‌آموختگان. مهارت‌آموزی، ۹(۵۵-۶۶).
- امیری، معصومه. (۱۳۸۸). شناسایی اولویت‌ها و مهارت‌های مورد نیاز بازارکار (دیدگاه کارفرمایان). ماهنامه کار و جامعه، ۱۹(۴۸-۵۷).
- بازرگان، عباس. (۱۳۸۷). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته: رویکردهای متداول در علوم رفتاری. تهران: نشر دیدار.
- تصدیقی، محمد علی. (۱۳۸۱). مدیریت مشارکتی در آموزش و پرورش با تأکید برنگرش روابط انسانی. فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، ۳۱(۱-۲)، ۱-۱۲.
- جلیلیان، سهیلا؛ مهرعلیزاده، یداله و مرعشی، سیدمنصور. (۱۳۹۶). بررسی میزان انطباق آموزش‌های فن‌وحرفه‌ای با نیازهای آموزشی بخش صنایع در شهرستان خرمشهر. فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱(۱)، ۱۳۱-۱۴۹.
- خالدی، محمد و رفعتی، محسن. (۱۳۹۱). مقایسه اثربخشی آموزش‌های فن‌وحرفه‌ای رسمی و غیررسمی بر اشتغال. مهارت‌آموزی، ۱(۱)، ۷۱-۸۵.
- خلایقی، علی اصغر. (۱۳۹۱). ویژگی‌های نظام آموزش فن‌وحرفه‌ای استرالیا: درس‌هایی برای اصلاح آموزش فن‌وحرفه‌ای ایران. نوآوری‌های آموزشی، ۵(۶۷-۸۴).
- خنیفر، حسین. (۱۳۸۹). درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربردهای آن در ایران. آمایش سرزمین، ۲(۲)، ۲۶-۵.
- خواجه شکوهی، علیرضا؛ عباسی، مصیب؛ و خوش‌فر، غلامرضا. (۱۳۹۱). بررسی میزان اثربخشی آموزش‌های فن‌وحرفه‌ای در اشتغال نیروهای آموزش دیده استان گلستان. مهارت‌آموزی، ۱(۱)، ۱۰۳-۱۱۶.
- دفت، ریچارد ال. (۱۳۸۶). مبانی تئوری و طراحی سازمان. (ترجمه پارسائیان و اعرابی). تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- ربیعی، علی و خادمی ورنامخواستی، نجمه. (۱۳۹۳). موانع و راهکارهای توسعه کارآفرینی در سازمان آموزش فن‌وحرفه‌ای کشور (مطالعه موردی اداره کل آموزش فن‌وحرفه‌ای استان تهران). مهارت‌آموزی، ۷(۷)، ۲۵-۵۱.
- سپه‌پناه، مرجان؛ فرشادیان، محمد مسعود؛ ایمانی، احسان و ظاهری، حمید. (۱۳۹۴). بررسی وضعیت اشتغال مهارت‌دانش آموختگان سازمان فن‌وحرفه‌ای در بخش صنعت پس از اتمام دوره آموزشی (مطالعه موردی اداره کل آموزش فن‌وحرفه‌ای استان کرمانشاه). مهارت‌آموزی، ۱۳(۱۳۵-۱۵۰).
- سلیمی، جمال. (۱۳۹۳). آموزش‌های فن‌وحرفه‌ای، نیروی انسانی و کارآفرینی (مطالعه موردی آموزش‌های فن‌وحرفه‌ای استان کردستان). مهارت‌آموزی، ۸(۷-۲۴).
- شفیع، مسعود و آراسته، حمیدرضا. (۱۳۸۳). همکاری دانشگاه و صنعت. دایره‌المعارف آموزش عالی. تهران: بنیاد دانشنامه بزرگ فارسی.
- عابدینی، خدیجه. (۱۳۹۶). طراحی الگوی هدایت تحصیلی برای انتخاب رشته دانش‌آموزان دوره متوسطه بر اساس نظریه داده بنیاد (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه یزد.
- فراستخواه، مقصود. (۱۳۸۷). آینده اندیشی درباره کیفیت آموزش عالی ایران: مدلی برآمده از نظریه مبنایی (GT)، فصلنامه پژوهش

ارائه الگوی تناسب آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای بازار کار از دیدگاه صاحبان صنایع شهر یزد بر اساس نظریه داده بنیاد

و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۴(۵۰)، ۹۵-۶۷.

- قدیمی مقدم، ملک محمد. (۱۳۷۸). بررسی و تعیین نیازهای آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح استان خراسان (طرح پژوهشی). اداره کل آموزش فنی و حرفه‌ای در سطح استان خراسان و وزارت کار و امور اجتماعی.
- کاووسی، طهماسب. (۱۳۸۷). رابطه آموزش‌های کار و دانش و فنی و حرفه‌ای با اشتغال در آذربایجان شرقی. فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، ۱(۱)، ۸۳-۹۳.
- گال، مردیت؛ بورگ، والتر و گال، جوئیس. (۱۳۹۶). روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (جلد دوم، ترجمه جمعی از مؤلفان زیر نظر دکتر احمدرضا نصر اصفهانی). تهران: سمت.
- نادری، ابولقاسم. (۱۳۸۳). اقتصاد آموزش. تهران: نشر یسپرون.
- نفیسی، عبدالحسین. (۱۳۷۸). بررسی نارسایی‌های ارتباط نظام‌های آموزش و پرورش و بازار کار و ارائه راه‌حل‌های اصلاحی. تهران: انتشارات مدرسه.
- نویدی، احمد و برزگر، محمود. (۱۳۹۱). ارزشیابی دوره‌های کاردانی آموزش فنی و حرفه‌ای. فصلنامه نوآوری‌های آموزشی، ۴۲، ۱۶۱-۱۸۶.
- نیازآذری، کیومرث؛ اسماعیلی شاد، بهرنگ و ربیعی دولابی، مجید. (۱۳۹۰). سیاست‌گذاری و فرآیند خط‌مشی عمومی در نظام آموزشی. قائم شهر: انتشارات مهر النبی.
- Anderson, A. (2018). A View on the Most Change in Vocational and Technical Education in England for a Generation, *Higher Education, Skills and Work-Based Learning*, 8 (2), 113-116.
- Behroozi, M (2014). A Survey about the Function of Technical and Vocational Education: An Empirical Study in Bushehr City. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 143, 265 – 269.
- Blinova, Bylina, S. & Rusanovskiy, V. (2015). Vocational Education in the System of Determinants of Reducing Youth Unemployment: Interregional Comparisons. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 214, 526 – 534.
- Creswell, J. & Miller, D. (2000). Determining validity in qualitative inquiry. *Theory into Practice*, 39(3), 124-30.
- Deutscher, V. & Winther, E (2018). Instructional sensitivity in vocational education. *Learning and Instruction*, 53, 21-33.
- Forster, A. G., Bol, T. (2018). Vocational education and employment over the life course using a new measure of occupational specificity. *Social Science Research*, 70, 176-197.
- Lizzio, A & Wilson, K. (2009). Student Participation in University Governance: the Role Conceptions and Sense of Efficacy of Student Representatives on Departmental Committees. *Studies in Higher Education*, 34 (1), 69-84.
- Tripathi, M., & Jeevan, V. K. J. (2009). Quality assurance in distance learning libraries. *Quality Assurance in Education*, 17(1), 45-60.
- Zilic, I (2018). General versus vocational education: Lessons from a quasi-experiment in Croatia. *Economics of Education Review*, 62, 1-1.

پی‌نوشت‌ها

1. Forster & Bol
2. Blinova, Bylina, & Rusanovskiy
3. Anderson
4. Deutscher and Winther
5. Zilic
6. Saturate
7. Creswell and Miller
8. Member Checking
9. Peer Examination
10. Lizzio and Wilson
11. Tripathi and Jeevan

Presenting a model for tailoring the technical and vocational training with the labor market needs from the viewpoint of Yazd industry owners based on the grounded theory

Mohsen Shākeri (PhD), Yazd University, Yazd, Irān¹

Kāzem Barzegar Bafroo'i (PhD), Yazd University, Yazd, Irān²

Mohammadali Jamshidi, MA in Human Resources Improvement at Imām Javād³
University College

Abstract

This paper aims at presenting a model, tailoring the vocational and technical education with the needs of the labor market from the viewpoint of the industries' owners of Yazd city. The qualitative method of grounded theory was used due to the limited models in the current literature to explain the fitness of the vocational and technical education with the needs of the labor market and gathering the data suitable with the study. The data was collected through interview with 14 industry owners and vocational and technical organization managers in Yazd city. By classifying the concepts, minor and major subcategories, and finding the core category using the open, axial and selective coding, the categories which could develop a model for tailoring the vocational and technical education with the needs of the labor market and the relationships among them were appeared in a paradigmatic model. The model includes causal triggers (7 categories), Core category (training alignment), strategies (8 categories), environmental conditions (6 categories), contextual features (4 categories) and the consequences (3 categories). Based on the research findings, it could be concluded that the fitness of the technical and vocational education to the needs of the labor market could be realized using the strategies of need assessment, stakeholders' participation, instructor training, internal and external cooperation, occupational future studies, land use planning, trainees acquaintance with the job market, along with counseling and career guidance.

Keywords

Vocational and Technical Education, Labor Market Needs, Grounded Theory

1. Corresponding Author, E-mail: shakerimohsen@yazd.ac.ir
3. jamshidiali1384@yahoo.com

2. k.barzegar@yazd.ac.ir